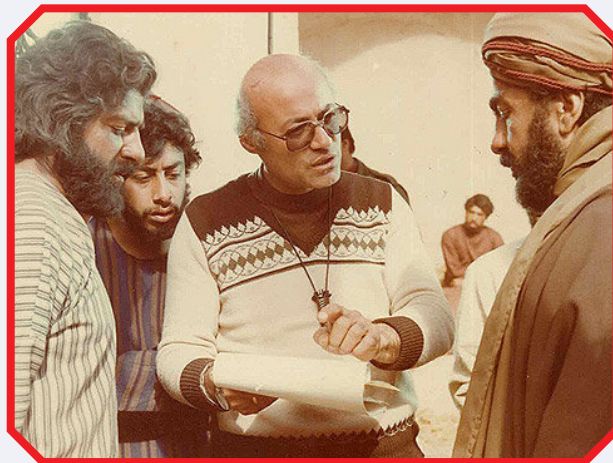


نگاهی به فیلم‌های دینی و اندکی معناگرای سینمای ایران

# عالمان بی عمل!



دهه ۶۰

سینمای دینی پس از انقلاب اسلامی ایران پایه‌گذاری شد و استارت ساخت فیلم‌های دینی با رگه‌های مذهبی از دهه ۶۰ زده شد، در این دهه به واسطه جنگ تحمیلی بیشتر فیلمسازان آثارشان حول این محور بود و ته‌مایه‌های مذهبی را در این فیلم می‌شد پیدا کرد اما در همین شرایط فیلم «سفیر» ساخته شد. «سفیر» فیلمی به کارگردانی فریبرز صالح و نویسندگی فریبرز صالح و کیهان رهگذار بود. این فیلم در سال ۱۳۶۱ ساخته شد و در نخستین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. «سفیر» از آن جهت اهمیت زیادی در تاریخ سینمای ایران دارد که باید گفت نخستین تجربه جدی سینمای ایران در پرداخت به ژانر تاریخی و با محوریت مذهب و ماجرای عاشورای حسینی است که در آن زمان و با امکانات کم ساخته شد ولی از ماندگارترین فیلم‌های تاریخی مذهبی سینمای ایران است. «سفیر» در همان سال ۱۶۱ کران شد و عنوان پر فروش‌ترین فیلم سال را به دست آورد و از موفق‌ترین فیلم‌های با تم مذهبی است که توانست در جذب مخاطب عام و خاص موفق باشد.



دهه ۷۰

استارت ساخت فیلم‌های دینی و مذهبی با تکیه بر وقایع تاریخ دین اسلام در دهه ۶۰ با فیلم «سفیر» زده شد اما اوج و بلوغ این سیر از فیلمسازی را در دهه ۷۰ شاهد بودیم، در دهه ۷۰ با الهام گرفتن از وقایع تاریخ دین اسلام و با قصص قرآن و استناد به آن آثار سینمایی بسیار موفق ساخته شد و پرونده جدیدی را در سینمای ایران باز کرد. «روز واقعه» برخاسته از همین دهه است. «مروز واقعه»، اثری است به کارگردانی شهرام اسدی و تهیه‌کنندگی مرتضی شایسته در سال ۱۳۷۳ ساخته شد. فیلمی که براساس فیلمنامه‌ای به همین نام، نوشته بهرام بیضایی بود، این فیلم سیمرغ بلورین بهترین فیلم را از سیزدهمین دوره جشنواره فیلم فجر کسب کرد. جز این، سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن، چهره‌پردازی، صحنه‌آرایی، فیلمنامه، کارگردانی، بازیگر نقش اول مرد، تدوین و فیلمبرداری را هم به دست آورد. این فیلم روایتگر عبدالله، جوانی مسیحی است که تازه به اسلام روی آورده و دل در گرو عشق راحله دختر زید دارد. وی در جریان عروسی با راحله ندایی می‌شنود که او را به یاری فرا می‌خواند، عبدالله بیابان به بیابان، واحه به واحه به سمت کربلا می‌تازد و هنگام عصر عاشورا به آن جا می‌رسد و در آن زمان «حقیقت» را بر سر نیزه می‌بیند. «نگ خدا» فیلمی ایرانی به کارگردانی مجید مجیدی است. «نگ خدا» چهارمین ساخته بلند مجید مجیدی است، این فیلم روایتگر محمد رضانی فرزند نابینای هاشم است که در مدرسه نابینایان تحصیل می‌کند برای گذراندن تعطیلات به خانه بازمی‌گردد. استیفاان هلدن در نیویورک تایمز درباره این فیلم نوشته است: این فیلم در حد بالاترین درجه وضوحی که یک فیلم ممکن است بدان برسد، نشان می‌دهد که دارای رسالتی دینی است، اما تجربه‌ای ژرف از تأمل در جهان طبیعی را در اختیار ما قرار می‌دهد... فیلم «نگ خدا» گوهری دیگر است که از سر چشمه‌ای واحد، یعنی از یکی از پویاترین سینماهای ملی جهان به ما عرضه شده است. اما چند سال بعد در سال ۱۳۷۹ چندین اثر دینی در سینمای ایران ساخته شد و به نوعی سال پربراری را برای سینمای ایران رقم زد. «مسافر ری» فیلمی به کارگردانی و نویسندگی داوود میرباقری متبحرترین فیلمساز ایرانی در ساخت گونه‌های تاریخی و حماسی است، میرباقری بیشتر برای ساخت سریال‌های تلویزیونی «امام علی (ع)» و «مختارنامه» مورد توجه قرار گرفت و فیلم سینمایی «مسافر ری» که برشی از زندگی حضرت عبدالعظیم (ع) است نتوانست در اکران خیلی موفق باشد و از نظر فروش و توجه مردم خیلی چشمگیر نبود. در همان سال «مریم مقدس» فیلمی به نویسندگی و کارگردانی شهریار بحرانی ساخته شد. نسخه تلویزیونی این فیلم هم از شبکه دو و شبکه آی فیلم پخش شده است. «مریم مقدس» تا چند سال پس از اکران در سینما و پخش از تلویزیون در ذهن مردم ماند و مورد اقبال واقع شد اما رفته‌رفته پس از گذشت نزدیک دو دهه از ساخت آن تقریباً هیچ ردی از آن در ذهن مخاطب نیست. اما اتفاق خوب دهه ۷۰ در حوزه سینمای دینی ساخت فیلم «زیر نور ماه» بود. «زیر نور ماه» ساخته رضا میر کریمی و به تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی در سال ۱۳۷۹ ساخته شد. این فیلم نخستین فیلم سینمای بعد از انقلاب است که شخصیت اصلی آن یک روحانی شیعه است. میر کریمی با نزدیک شدن به شخصیت یک روحانی خالص و بی‌ادعا چالش‌های روحی روانی او را برای برتن کردن لباس روحانیت به‌عنوان نمادی از معصومین و اولیای خدا به نمایش می‌گذارد و در کنار آن به زندگی این قشر و آدم‌های مختلف با این لباس می‌پردازد و گذری هم به جامعه و آدم‌هایش دارد.

گروه سینما

گزارش

از چهار دهه پیش با پیروزی انقلاب اسلامی ایران عنوان سینمای دینی به دایره واژگان سینمای ایران راه پیدا کرد و بعدها رفته‌رفته در دهه ۸۰، زیر سایه عنوان سینمای دینی سینمای معناگرا نیز قوت پیدا کرد و این ژانر جهانی در راستای باورهای مردم مسلمان ایران مورد توجه قرار گرفت. اما به‌رغم آن که ایران کشوری دینی است برخلاف انتظار که باید این جنس سینما پیشرفت ویژه‌ای داشته باشد اما در سال‌های اخیر شاهد سقوط و افت سینمای دینی در ایران هستیم. در این گزارش به سینمای دینی و اندکی معناگرا ایران در این چهار دهه نگاهی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.



دهه ۸۰

اما دهه ۸۰ سینمای دینی وارد فاز جدیدی شد، فیلم‌ها از این که صرفاً روایتی تاریخی از اسلام باشند بیرون آمدند و کم‌کم سینمای دینی رنگ و بوی سینمای معناگرا را به خود گرفت. «قدمگاه» فیلمی به کارگردانی محمد مهدی عسگرپور و نویسندگی محمد رضایی‌راد ساخته سال ۱۳۸۲ است. رابطه اخلاق و مذهب در جامعه‌ای مذهبی تم اصلی فیلم «قدمگاه» است. فیلم با فضا سازی مناسب و روایات و نگاه مردم روستا به دین و نقش آن در زندگی روزمره کارا کترهای قابل لمس و تأثیر گذاری را در میام مردم روستا نشان می‌دهد.

«یک تکه نان» فیلمی به کارگردانی کمال تبریزی و نویسندگی محمدرضا گوهری ساخته سال ۱۳۸۳ است. «یک تکه نان» از مهم‌ترین فیلم‌های دهه ۸۰ در جریان سینمای معناگرای آن سال هاست که با تکیه بر ماورا و به دور از داستان‌پردازی و شخصیت‌پردازی واقعی و قابل درک سعی در رسیدن به معنا و حقیقت زندگی و خداوند دارد. رضا میر کریمی بار دیگر دست به کار شد و «خیلی دور، خیلی نزدیک» را ساخت که نمونه‌ای از یک فیلم استاندارد و خوب است؛ فیلمی که برای بیان مقصودش از اتفاقات و نشانه‌های سینمایی استفاده کرده و برای مطرح کردن خودش دست به حاشیه‌سازی و جنجال‌آفرینی نمی‌زند. داستان فیلم درباره دکتر متخصصی است که به خاطر درگیری‌های کاری و تفریحی‌اش از اطراف خود و حتی پسرش دور شده است. آگاهی از بیماری پسرش او را وادار می‌کند تا به هر ترتیبی است پسرش را که برای شرکت در یک مسابقه ستاره‌شناسی به کویر رفته است بیابد. به نقل از روبرت صافار این فیلم رساترین و امروزی‌ترین فیلم معناگراست.

اما فیلم «استشهادی برای خدا» در دهه ۸۰ ساخته شد فیلمی مهم و تکرارنشده‌ای در سینمای معناگرا که در آن سال‌ها تاتی تاتی می‌کرد و حالا به یکباره متوقف شده است. این فیلم به کارگردانی علیرضا امینی و نویسندگی علیرضا امینی، محسن تنابنده محصول سال ۱۳۸۶ است. «استشهادی برای خدا» پیش از هر چیز به لحاظ ساخت و شیوه فیلمسازی فیلم قابل تحسینی است. تولید یک اثر سینمایی در میان برف و بوران با توجه به بضاعت سینمای ایران کار دشواری است و علیرضا امینی تن به کار سخت و پر مشغله‌ای داده بود. «استشهادی برای خدا» جزو فیلم‌های معناگرا قرار می‌گیرد، یک فیلم شخصیت‌محوری که در آن قهرمان داستان در یک بازگشت معنوی به گذشته خویش رجوع می‌کند تا با آرامش و جلب رضایت خلق بمیرد. فتحی می‌کوشد تا با ادای حق الناس از رحمت الهی بی‌نصیب نماند اما در میان اهالی روستا بیش از هر کس این زنش نرگس است که باید به بخشش اورضایت دهد.



دهه ۹۰

اما دهه ۹۰ دهه برهوت سینمای دینی است، نه از آثار قوی تاریخی و مذهبی خبری است نه از ایده‌های بکر در ساخت فیلم‌های معناگرا که معمولاً در زیر سایه سینمای دینی ساخته می‌شدند، شاید در دهه ۹۰ به کاراکتر و شخصیت روحانی و وجوه زندگی این قشر بیش از پیش پرداخته شده است اما سینمای دینی و ساخت فیلم‌های معناگرا در میان سیل فیلم‌های کم‌دلی و اجتماعی گم شده است. تنها نقطه مهم و قابل توجه این دهه ساخت فیلم «محمد رسول اله (ص)» است.

«محمد رسول اله (ص)» فیلمی است در گونه تاریخی به کارگردانی مجید مجیدی که داستان زندگی کودکی حضرت محمد (ص) (پیامبر اسلام) (سده ۶ میلادی) را روایت می‌کند.

قرار بود سه‌گانه سینمایی و مستقل از هم تولید شود که به مقاطع مختلف زندگی حضرت محمد (ص) بپردازد. در نخستین فیلم، قصه از دوران جاهلیت و شرایط اجتماعی زمان تولد حضرت محمد (ص) آغاز می‌شود و در ۱۲ سالگی او به پایان می‌رسد. این فیلم پرهزینه‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شود.